

در شناسائی بین‌المللی اشخاص معنوی

و حقوقی که دارا هستند

فصل دوم

در شناسائی بین‌المللی شرکتها و حقوقی که دارا هستند

ایران

حقوقی که شرکت‌های خارجه میتوانند در ایران
دارا باشند :

الف - از حیث حقوق عمومی

در مورد حقوق عمومی اشخاص حقیقی ، این
اشخاص باعتبار اینکه وجود خارجی دارند دارای شخصیت
بوده و شخصیت آنها مورد شناسائی تمام دولت‌ها میباشد
و آنها میتوانند داخل در يك مملکت شده در آنجا اقامت
نمایند و بمشاغلی که قانون منحصر باتباع داخله نکرده است
اشتغال ورزند ولی نسبت باشخاص حقوقی که شخصیت خارجی
ندارند موضوع ورود و اقامت و غیره منتفی بوده و فقط
مسئله اینکه اهمیت دارد این است که آیا برای اشخاص
حقوقی تبعه خارجه میتوان در خارج از مملکت آنها
شخصیتی قائل گردید یا نه ؟

برای قائل شدن شخصیت قانونی باشخاص حقیقی
نمیتوان اشکال نمود ولی شخصیت قانونی اشخاص حقوقی
خارج از اشکال نمیشود زیرا قائل شدن شخصیت برای
شرکتها مثلا امر اعتباری بوده و نتیجه فرض موهومی است که
قانون يك مملکت آنها مثل امر واقعی تلقی می‌نماید و

بنابراین شرکتهای خارجی نباید در خارج از مملکت
متبوع خود دارای شخصیت قانونی باشند مگر در صورتیکه
قانون آن مملکت خارج این شخصیت را در مورد آنها
قائل شده باشد .

در تعقیب همین نظریه است که ماده سوم قانون
ثبت شرکتهای مصوب ۱۱ خردادماه ۱۳۱۰ مقرر میدارد :
که هر شرکت خارجی برای اینکه بتواند بوسیله شعبه
یا نماینده با امور تجاری یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید
یعنی در ایران دارای شخصیت حقوقی باشد باید در مملکت
اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد
تهران به ثبت رسیده باشد .

پس مطابق این قانون برای اینکه يك شرکت خارجی
تواند در ایران ابراز فعالیت کرده و با امور تجاری و یا صنعتی
و یا مالی مبادرت نماید بعبارت آخری برای اینکه بتواند در
ایران شخصیت حقوقی داشته و حقوقی را که از این حیث
ممکن است دارا گردید دارا باشد باید اولاً در مملکت
متبوع خود شرکت قانونی محسوب شده و ثانیاً در اداره ثبت
تهران نیز ثبت برسد .

همین که شرکت خارجی دارای شرایط فوق گردید
میتواند آزادانه با اجرای حقوقیکه اشخاص حقوقی ایرانی دارا
میشوند اقدام نماید از قبیل معامله کردن و یا مدعی و یا
مدعی علیه شدن در محاکم قضائی و غیره .

ب - از نقطه نظر حقوق خصوصی

از حیث حقوق خصوصی شرکتهای خارجی باید
به منزله اشخاص حقیقی محسوب گشته و دارای کلیه حقوقی

باشند که اشخاص مزبور دارا هستند ولی بدیهی است که شرکت‌های خارجی نمیتوانند حقوقی را داشته باشند که بالطبع فقط نوع انسان ممکن است آنرا دارا باشد چنانکه همین ترتیب را ماده ۵۸۸ قانون تجارت در مورد اشخاص حقوقی ایرانی نیز اتخاذ کرده و مقرر داشته است که شخص حقوقی میتواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت و بنوت و امثال آن.

فرانسه

حقوقی که شرکت‌های خارجی در فرانسه دارا هستند؛ بموجب دستخطی که طبق قانون ۱۸۵۷ در فرانسه صادر شده شرکت‌هایی که در فرانسه برسمیت شناخته میشوند میتوانند از مزایای قانونی مدنی و تجاری و غیره استفاده کنند بشرط اینکه بموجب یک عهدنامه قبلی شناسائی آن شرکت‌های خارجی در فرانسه محقق شده باشد باین معنی که استفاده شرکت‌های خارجی از قوانین مدنی و سایر قوانین مربوطه فقط در حدود، مقررات عهدنامه هائیکه در این خصوص مابین فرانسه و دولت متبوع آن شرکت خارجی بسته شده است خواهد بود و هیچ قانونی در فرانسه وجود ندارد که اجازه بدهد شرکت‌های خارجی را بدون عهد نامه بشناسند. البته همانطور که شناسائی شرکت خارجی در فرانسه طبق عهدنامه بعمل میاید همانطور هم حقوقی را که شرکت‌های خارجی میتوانند در فرانسه دارا باشند در عهدنامه ذکر میشود باین معنی که استفاده شرکت‌های خارجی از قوانین مدنی و تجاری فرانسه طبق عهدنامه و در حدود عهدنامه‌جات منعقده بعمل میآید و الا اینگونه شرکتها ابدأ حق استفاده از قوانین را نخواهند داشت.

از جمله عهدنامه هائیکه دولت فرانسه با سایر دول در این خصوص منعقد کرده است عهدنامه ۱۵ ژوئن ۱۸۶۹

بین فرانسه و سوئیس و عهدنامه ۸ ژوئیه ۱۸۹۹ بین فرانسه و بلژیک و همچنین سایر عهدنامه‌جات تجاری و صنعتی از قبیل اتحاد پاریس ۱۸۸۳ و غیره را میتوان شمرد.

آلمان

موضوع شناسائی شرکت‌های خارجی در آلمان خیلی مورد اهمیت واقع شده است.

در آلمان همان رویه‌ای را که مسیو ساوینی در عقیده خود ذکر کرده اتخاذ کرده‌اند و بموجب آن دولت آلمان شرکت‌های خارجی که در محل تأسیس خود بطور قانونی تأسیس شده باشند یعنی در محل تأسیس برسمیت شناخته شده باشند برسمیت خواهد شناخت.

گر چه در آلمان قانونی که راجع باین موضوع بخصوص باشد نیست ولی نبودن قانون مخصوص در این مورد تولید اشکال نمیکند زیرا که رویه قضائی و عملی مخصوصی در آلمان در این خصوص اتخاذ شده که تقریباً حکم قانون را پیدا کرده‌است و آن چیزی که دول مختلفه آلمان بآن بیشتر اهمیت میدهند موضوع شناسائی شرکت‌ها می است که محتاج با اجازه دولت است و باید روی اوراق چاپی تجاری که از طرف دولت قبلاً تهیه شده بثبت رسیده باشد و در محل مرکز اصلی شرکت هم باید شرکت سهامی مزبور بثبت رسیده باشد و الا تولید اثرات قانونی در آلمان نخواهد کرد و این خود یک اشکالی است که در مورد بعضی از شرکت‌های سهامی پیش میآید و این موقعی است که در محل مرکز اصلی شرکت ثبت شرکت‌ها موجود نباشد.

علی‌ای حال باید در خود آلمان شعبه شرکت مزبور به ثبت برسد.

در موضوع سایر شرکت‌ها فقط قانون آلمان قانونی بودن تشکیل آن شرکت را در محل مرکز اصلی شرکت خواسته‌است ولی در خود آلمان باید این شرکت‌ها بثبت برسد و با شرکت‌هایی که در قانون آلمان پیش بینی شده تطبیق نماید در اینجا نیز اشکال ممکن است پیش آید و آن در

دارند و یا آنجا را مرکز عملیات خود قرار می دهند قابل اجراست.

حال باید دید شرکتی که شرایط مقرر در ماده ۱۳۰ را بجا نیاورد چه ضمانت اجرایی برای این عمل او او موجود است؟

در اینخصوص رأی دیوان تمیز بلژیک در ۷ مارس ۱۸۹۵ چنین مقرر داشته است که شرکت خارجی که اعلان تشکیل در بلژیک نداده باشد قابل برای طرح دعوی در محاکم بلژیک نیست.

برزیل

بموجب قانون ۱۲ دسامبر ۱۹۰۳ (ماده ۲۲ بعد) که پانزی های بیمه خارجی که در برزیل میخوانند عملیات کنند باید در محل تأسیس قانونی بشمار آیند و باید در برزیل نماینده داشته و کاملاً از هر حیث مثل شرکت های داخلی برزیل مطیع قوانین راجعه بشرکت ها و غیره باشند.

کلمبیا

بموجب دستخط ۹ ژانویه ۱۹۰۶ کلیه شرکتهای خارجی که در جمهوری کلمبیا مؤسسات دائمی تشکیل میدهند باید در ظرف ۶ ماه از تاریخ استقرار خود در آنجا شرکت خود را در اداره ثبت شرکت های محل ثبت رسانیده و همچنین اسناد تأسیس شرکت خود را نیز به ثبت رسانند.

و علاوه شرکت های سهامی در هر موقعی که اجازه ای لازم باشد باید از دولت کلمبیا اجازه دائر کردن مؤسسه خود را در آنجا تحصیل کرده باشند.

شرکت های خارجی در کلمبیا باید بک نمایندگی یعنی بک مؤسسه از طرف خود که وکالت نام در هر امری بانهاد داده شده باشد داشته باشند.

ضمانت اجرایی مواد فوق آنست که در صورت عدم رعایت آنها از طرف شرکتهای خارجی تمام معاملات آنها باطل شمرده خواهد شد.

اسپانی

راجع بشرکتهای خارجی مواد ۱۵ و ۲۱ قانون تجارت اسپانیا چنین مقرر میدارد:

موقعی است که شرکت مرور با هیچیک از شرکت های قانونی مذکور در قانون آلمان تطبیق نکند.

در حال باید گفت که قانون آلمان شرکت های خارجی که در آنجا شعبه ای باز میکنند برسمیت میشناسد معذاین شرکت های خارجی و شرکت های داخلی فرقی هست و آن اینست که شرکت های خارجی حق نملک اراضی را در آلمان ندارند و برای این منظور بماده ۸۸ قانون مقدمه حقوق مدنی آلمان و مخصوصاً بقانون هسواز Hessoise ۱۷ ژوئیه ۱۸۹۹ که عکس آنرا بیان کرده است استناد میکنند ولی قانون بروس ۲۳ ژوئن ۱۹۰۹ راجع به بهره برداری شرکت های خارجی از معادن آلمان اجازه داده است که این قبیل شرکت ها برای نملک و تصرف قسمتی از اراضی آلمان در موقع استخراج معادن و غیره باید بک اجازه قبلی از دولت داشته باشند.

بلژیک

در خصوص شناسائی شرکت های خارجی سوابق قضائی بلژیک تردید داشت ولی بعضی از احکام صادره از دیوان تمیز برله شناسائی شرکت های خارجی بود.

تا اینکه در ۱۴ مارس ۱۸۵۵ قانونی برای تصفیه امور و وضعیت شرکت های فرانسه در بلژیک وضع شد ولی طولی نکشید که در موقع تجدید و اصلاح قانون تجارت قانون ۱۸ مه ۱۸۷۳ در مواد ۱۲۸ تا ۱۳۰ رأی جدیدی اتخاذ کرد:

در ماده ۱۲۸ چنین مقرر شده که شرکت های سهامی و سایر شرکت های تجاری و صنعتی و مالی که در ممالک خارجه تأسیس و مرکز اصلی خود را تشکیل داده اند میتوانند در بلژیک مرکز عملیات نیز داشته باشند فقط چیزی که لازم است آن است که این شرکت ها در ممالک خارجه اقامتگاه داشته و در آن مملکت هم شرکت قانونی شناخته شده باشند.

بموجب ماده ۱۳۰ مواد راجعه بانشار بیان و اعلان تشکیل شرکت همچنین ماده ۶۶ که راجع است باسم شرکت های سهامی هستند یعنی باید در اسم شرکت قید سهامی بودن بشود. در مورد شرکت های خارجی که در بلژیک شعبه

کانادا

در کانادا در حقیقت يك قانون واحدی در تمام مملکت حکمفرما نیست بلکه هر ایالتی برای خود قانون معینی داشته و در داخله خود اجرا میکند بنابراین قانون هر ایالتی را باید يك بيك تحت نظر در آورد ولی مافقط بذكر رويه قانونی ایالت كېك Québec اکتفا میکنیم :

در این ایالت اصول آزادی کاملاً حکمفرما است و شرکت های خارجی از هر حیث برای هرگونه مساعدت آزادند و برای شروع بعملیات خود محتاج با اجازه قبلی از دولت نمیشوند حتی میتوانند معاملات سهامی نموده و سهام نیز انتشار دهند.

ولی قوانین کانادا بطور کلی اجازه نمیدهند که از حدود اختیاراتیکه دولت متبوع شرکت مزبور برای آن قائل شده است تجاوز نماید و هر تحدیدی که در این طور موارد دولت متبوع شرکت قائل شده است محاکم كېك آنرا محترم می شمارند.

گاهی هم اتفاق افتاده است که حقی را قانون داخلی برای شرکت های خارجی شناخته است که آن حق را شرکت های داخلی نمیتوانستند دارا باشند مثل حق اداره امور بک ارث که برای شرکت های داخلی میسر نیست ولی برای شرکت های خارجی این حق را قائل شده اند بنا بر این معلوم میشود که در كېك آزادی کامل موجود است ولی بموجب ماده ۳۶۶ قانون مدنی كېك شرکت های خارجی نمیتوانند در داخله تحصیل اموال غیر منقول بنمایند ولی این قید برای اتباع انگلیس نیست.

و همچنین شرکت های بیمه عمر باید مثل شرکت های داخلی از وزارت مالیه كېك اجازه گرفته و ضامن نیز بدهند و بالاخره آخرین تحدیدی که برای شرکت های خارجی قائل شده اند این است که تجارت بانگهای خارجی در داخله كېك ممنوع است.

یونان

در یونان راجع بشرکت های سهامی قوانین ۱۰ اوت

ماده ۱۵ - شرکت های خارجی میتوانند در اسپانیا تجارت بکنند مشروط بر اینکه قوانین مملکت اصلی خود را ناجائیکه مخالفت با قوانین محلی اسپانی ندارد مراعات نمایند و البته در موقع وجود عهد ناخجات بین اسپانی و دولت متبوع شرکت مزبور در همان حدود عهدنامه جات مجبور به رعایت قوانین هستند :

ماده ۲۱ - شرکت های خارجی که میخواهند در اسپانیا شعبه داشته باشند باید اسناد تأسیس شرکت مزبور را در مملکت خود بضمیمه تصدیق نامه قنصلگری دولت اسپانی در آن مملکت مبنی بر اینکه شرکت مزبور در آن مملکت با رعایت قانون محل تنظیم شده است به اداره ثبت ارائه داده و به ثبت برسانند.

در هر حال شرکت های خارجی تقریباً از هر حیث در اسپانی آزادند و تحدیداتی بر آنها نیست.

اتازونی

در اتازونی قوانین ممالک متحده با هم بکلی فرق دارند و قوانین مربوطه بشرکت های خارجی در همه این ممالک جزو بکسان نیست و بلکه يك شرکت سهامی تبعه يك مملکت جزو در ممالک جزو دیگر آنجا شرکت خارجی شناخته میشود یعنی نسبت بشرکت های ملی که بقول خود آنها Domestic نامیده میشود خارجی هستند.

در نیویورک قوانین مربوطه بشرکت های خارجی خیلی سخت وضع شده و تحدیدات زیاد و قابل توجهی برای آنها قائل شده است و برای تشکیل يك شرکت خارجی در نیویورک باید قبلاً از دولت یعنی از دوائر مربوطه اجازه نامه رسمی داشته باشند و در صورت عدم اخذ اجازه تمام معاملات آنها باطل محسوب میشود.

از جمله شرایط سنگینی که بار شرکت های خارجی در نیویورک میشود یکی مسئله ضامن است باین معنی که در موقع طرح دعوی از طرف شرکت در محکمه یا بعکس یعنی چه مدعی باشد و چه مدعی علیه باید برای محاکمه ضامن بدهد که در صورت محکومیت از ادای خسارت برآید و همچنین مالیاتی Licence tax از آنها گرفته میشود و هر سال یکمرتبه هم باید راپورت عملیات سالانه خود را بدولت بدهند.

۱۸۶۱ و ۱۳ مارس ۱۸۸۱ وضع شده است که بموجب آنها شرکت های سهامی فرانسوی را که در فرانسه قانونی شناخته میشوند بشرط معامله متقابله دولت یونان خواهد شناخت و برای سایر شرکت های خارجی نیز همین رویه مقرر است یعنی بشرط معامله متقابله خواهد شناخت منتها در این مورد تصویب هیئت وزراء لازم است مثلاً بعدها شرکت های انگلیسی بموجب دستخط ۲۱ ژوئیه ۱۸۸۸ و شرکت های بلژیکی بموجب تصویب نامه ۲۵ مارس ۱۸۸۳ و شرکت های اطریشی بموجب دستخط ۱۴ نوامبر ۱۸۹۷ و همچنین شرکتهای امریکائی و سویسی و غیره در یونان شناخته شد.

نروژ

بموجب ماده ۸۶ قانون ۱۹ ژوئیه ۱۹۱۰ شرکت سهامی خارجی که بطور قانونی در مملکت اصلی خودش تشکیل شده باشد میتواند در نروژ يك شعبه یا نمایندنده تجارنی که باین سمت بتواند تعهدات شرکت را در مقابل اشخاص ثالث انجام دهد داشته باشد.

قبل از شروع بکار شرکت مزبور باید اداره تجارت آجا اطلاع دهد باین معنی که در روی ورقه ای موسوم بورقه اطلاع شرطی را که معمولاً شرکتهای صاحبان سهام تحمیل میکنند ز قبیل امتیازات بعضی از اشخاص در شرکت و همچنین تعیین اینکه مؤسسين شرکت چقدر از سهام را قبول کرده اند و همچنین تعیین اینکه سهام باید نقدی باشد یا اینکه ممکن است موضوع آن اموال غیر منقول یا منقول نیز باشد و غیره.

باید نوشته شود و همچنین باید نوشته باشند که سهام بی اسم کالا و سهام با اسم تا نصف پرداخته شده اند.

این اطلاع باید بضمیمه يك تصدیقی از قنصل نروژ در مملکت اصلی شرکت باشد مبنی بر اینکه شرکت مزبور در مملکت اصلی خود بطور قانونی تشکیل شده است بموجب ماده ۸۷ قانون مذکور در صورت عدم دادن اطلاعات فوق مسئولیت به عهده شرکائی که در نروژ مسکن دارند می باشد.

و بموجب ماده ۹۰ مسئولیت مدیران شعبه شرکت خارجی در نروژ مانند مسئولیت مدیران شرکتهای داخلی نروژ است.

شرکت های خارجی که دارای سهام بی اسم هستند و همچنین بانگهای خارجی باید هر سال در هشت ماه آخر سال محاسباتی خود صورت محاسبه بیلان شرکت خود را و مخصوصاً حساب شعبه شرکت خود را در نروژ در روزنامه اطلاعات نروژ *journal norvegien des annonces* ثبت نمایند.

بموجب ماده ۹۱ هر گاه پس از گذشتن مدت مزبور شرکت صورت محاسبات و بیلان خود را در روزنامه ثبت نکند باید بلافاصله بعد از گذشتن مدت فوق صورت مزبور را به اداره تجارت داده و محاسبات سالیانه شعبه خود را نیز انتشار دهد.

سوئد

در سوئد در مورد شرکتهای بیمه خارجی قانون مخصوصی در ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۳ موسوم بقانون مؤسسات خارجی در سوئد وضع شد و بموجب ماده ۳ قانون مزبور هر شرکت بیمه خارجی که در سوئد عملیات تجارنی میکند باید از هر حیث مطیع قوانین مربوطه دولت سوئد باشد بموجب ماده ۴ قبل از شروع بکار باید از اداره نظارت بیمه اجازه تحصیل کند و همچنین باید تصدیق نامه ای از دولت خود راجع بقانونی بودن شرکت خود در محل اصلی ارائه دهد.

بموجب ماده ۲۲ این قانون در مورد شرکتهای بیمه در موقع وضع قانون در سوئد مشغول انجام عملیات قانونی خود بوده اند مجرا خواهد بود.

سوئیس

شرکتهای تجارنی خارجی در سوئیس برای تجارت محتاج به چگونگی اجازه قبلی نیستند منتها در موقع تأسیس شعبه ای در سوئیس باید آنرا در اداره ثبت شرکتهای سوئیس ثبت برسانند. ثبت شرکت فقط برای انجام و مراعات نظامات

مملکت اصلی آنها نیز شرکتهای رومانی را می‌شناسند باین معنی که در صورت معامله متقابله شرکت های خارجی را در رومانی می‌شناسند.

پس از آن باید تشریفات و تکالیفی که قانون برای شرکتهای خارجی معین کرده است انجام دهد بنابراین برای شرکت های خارجی اجازه قبلی برای عملیات در رومانی لازم است و همچنین باید برای تضمین تعهدات خود در رومانی ضامن بدهند ولی این شرط اخیری بموجب قانون ۶ آوریل ۱۹۱۰ منفع شرکتهائیکه در رومانی کارخانه یا مؤسسات صنعتی تشکیل میدهند حذف شده است اجازه ای که به شرکتهای مزبور داده شده است ممکن است از طرف دولت لغو بشود. شرایط انتشار اعلان تأسیس شعبه شرکت در رومانی همان شرایط و وظایفی است که برای شرکتهای داخلی مقرر است.

در موقع عدم انجام تکالیف فوق مدیران شرکت مسئول نامحدود پرداخت جریمه متعلقه میباشند بنا بر این از مزایای محدود بودن نمیتوانند شرکت های خارجی استفاده نمایند.

از مواد مذکوره در فوق چنین استنباط میشود که شرایط و تکالیف فوق برای شرکت های خارجی است که میخواهند در رومانی شعبه تأسیس بکنند ولی آنهائیکه ندرتاً به بعضی از عملیات تجاری در رومانی میپردازند مشمول مقررات فوق نیستند.

محاکم رومانی نیز مطلب فوق را عملاً تصدیق کرده اند.

ایتالی

قوانین متعددی در ایتالی برای شرکتهای خارجی وضع شده است.

اولین قانون موضوعه عبارت بود از قانون ۳۰ ژانویه ۱۸۵۳ که مقرر داشته برای اینکه شرکت های سهامی و شرکتهای مختلط سهامی میتوانند در ایتالیا شعبه داشته باشند باید تحصیل اجازه شخصی کرده باشند ولی شرکتهای

داخلی است و در موقع عدم ثبت شرکت فقط پرداخت جریمه محکوم خواهد شد و ابداً تأثیری در عدم شناسائی شرکت مزبور در سوئیس نخواهد کرد.

ترکیه

بموجب قانون ۲۵ آوریل ۱۹۰۶ شرکتهای سهامی و بیمه خارجی که در ترکیه میخواهند شعبه ای داشته باشند باید قبل از شروع بعملیات تجاری خود تقاضائیکه حاوی مطالب ذیل باشد بوزارت تجارت ترکیه بدهند:

- ۱ - علت تأسیس.
- ۲ - محل تأسیس.
- ۳ - تعیین مقدار سرمایه.
- ۴ - تعهد باطاعت قوانین ترکیه.

شرکتهای مزبور باید یک نماینده مخصوصی که وکالت تام در کارهای آنها داشته باشد در ترکیه داشته باشند که بتواند در محاکم و ادارات دولتی و غیره وکالتاً کار کند و همچنین شرکتهای مزبور باید قبل از شروع بعملیات تأسیس خود را در ترکیه توسط اعلانات باطالع عامه برسانند و الا مسئولیت تا محدودی در قبال عملیاتی که در ترکیه کرده اند بمعهد مدیران شرکت خواهد بود.

اما شرکت های بیمه خارجی باید تحت نظارت دولت ترکیه بوده و برای تعهداتی که در ترکیه می کنند باید ضامن بدهند.

نمایندگان شرکتهای مزبور در ترکیه باید از اشخاصی باشند که تا کنون ورشکست نشده و خائن در امانت نیز نبوده و بالاخره دوسیه جزائی در هیچیک از ممالک خارجه نداشته باشند.

رومانی

مواد ۳۳۷ و ۲۵۱ قانون تجارت ۱۸۸۷ که جزئی تغییریری بواسطه قانون ۶ آوریل ۱۹۱۰ کرد مربوط بشرکت های خارجی است.

و بموجب آن مواد شرکتهای خارجی که میخواهند شعبه در رومانی داشته باشند باید قبلاً ثابت کنند که در

شد و در این ورقه عده اشخاص واسامی آنها که اداره شرکت در دست آنها است و آتیهائی که در ایتالیا نماینده هستند درج و اعلان خواهد شد.

مسئولیت مدیران در مورد شرکتهای تضامنی و مختلط غیر سهامی نامحدود است.

ولی در شرکت های سهامی مدیران فقط مسئولیت شخصی دارند.

بموجب ماده ۲۳۰ در موقعی که شرکتهای خارجی بتکالیف مقرر در فوق عمل نکرده باشند در مقابل محاکم ایتالیائی برسمیت شناخته نشده و قانوناً وجود خارجی نخواهند داشت چنانکه دیوان تمیز تورن در ۱۳ سپتامبر ۱۸۸۸ نیز همین طور رأی داده است.

بالاخره در موضوع انحصار بیمه عمر يك پیشنهادی در ۱۸۱۱ بمجلس ایتالیا تقدیم شد و در ۴ آوریل ۱۹۱۲ قانون مزبور تصویب گردید. بموجب این قانون بیمه عمر اشخاص که تا کنون در دست شرکتهای خارجی بود منحصر بدولت ایتالیا شد ولی این قانون اخیر تولید اختلافات و شکایات زیادی از طرف شرکت های بیمه خارجی علیه دولت ایتالیا کرده زیرا که شرکت های بیمه خارجی سرمایه های زیادی بایتالیا آورده بودند و مالیات های گرافتی نیز پرداخته بودند و همچنین وجه الضمانه های معتبری که تبدیل به Bente دولت ایتالیا شده بود داده بودند و این عمل دولت ایتالیا در باره شرکت های بیمه عمر داخلی نیز مجرا بوده ولی اختیارات يك دولت درباره اتباع و اسواول خارجی آقدر توسعه ندارد و باین واسطه تولید اختلافات زیاد و سبب شکایت شرکتهای مزبور به دول دیگر شد که بالنتیجه به حکمیت مراجعه شد.

بطوری که از قوانین ممالک مختلفه دنیا استخراج و استنباط میشود موضوع تبعیت شرکت ها و شناسائی شرکت های خارجی در داخله ممالک و همچنین حقوقی که شرکت های خارجی در ممالک مختلفه دارا هستند تقریباً در تحت قواعد و قوانین مشابهی منظم و مرتب گشته و اعمال

تضامنی و شرکتهای مختلط غیر سهامی و سایر شرکت های خارجی می توانستند بدون اجازه به عملیات تجاری بپردازند.

بنابر این شرکتهائی هم که امیدخواستند در ایتالیا شعبه داشته باشند مجبور بتحصیل اجازه مزبور بودند.

ولی در اثر قانونی که در بلژیک و در فرانسه راجع بشرکت های طرفین وضع شده بود قانونی نیز در ۱۲۷ کتبر ۱۸۶۰ در ایتالیا بنفع شرکت های فرانسوی وضع شد و به موجب این قانون کلیه شرکتهای فرانسوی که در فرانسه قانونی شناخته میشوند در ایتالیا نیز دارای همان حقوق بوده و میتوانند بعملیات تجاری پرداخته و در تمام محاکم ایتالیا مطابق قانون ایتالیا محاکمه کنند این قانون اخیر در حقیقت يك معامله متقابلهای بود نسبت بفرانسه زیرا که در فرانسه نیز در ۸ سپتامبر ۱۸۶۰ دستخطی صادر شد که به موجب آن دولت فرانسه شرکت های ایتالیائی را در فرانسه می شناخت.

بموجب ماده ۲ قانون ایتالیائی ۱۸۶۰ مثل قانون ۱۸۵۷ فرانسه دولت ایتالیا حق دارد بموجب دستخط های صادره شرکتهای سهامی خارجی سایر ممالک را هم در ایتالیا بشناسد علیهذا بموجب دستخط های متعددی شرکت های زیادی از ممالک مختلفه خارجی در ایتالیا شناخته شد.

قانون تجارت ایتالیا که در ۱۸۸۲ وضع شد مواد ۲۳۰ و ۲۳۲ قانون سابق را تغییر داد بموجب ماده ۲۳۰ شرکتهای سهامی که در خارجه بطور قانونی تشکیل شده اند در موقعی که در ایتالیا شعبه ای تأسیس مینمایند باید از حیث اعلان تأسیس شعبه و صدور بیان سالانه و تشکیل مجمع عمومی و اعلان اسامی مدیران شرکت و نمایندگان شرکت در ایتالیا و مسئولیت نمایندگان و غیره تابع قوانین ایتالیا باشند. در مورد شرکت های تضامنی و شرکتهای مختلط غیر سهامی خارجی تشریفات خیلی ساده تر میباشد و فقط باید صورتی از اسناد تأسیس شرکت خود بدفتر محکمه تجارت بدهند و این صورت اسناد مانند سابق انتشار و اعلان خواهد

میشود چنانکه اغلب از قوانین خارجه و همچنین قانون ایران شرکت هارا تابع مملکتی قرار میدهد که مرکز اصلی یعنی محل اقامت آنها در آن مملکت واقع باشد و همچنین اغلب قوانین برای رسمیت دادن بشرکت های مزبور ثبت شدن آنها را اجباری نموده و مثل قانون ایران هرشرکتی که مطابق قانون ایران تشکیل نشده و یا ثبت نرسیده باشد در ایران شرکت قانونی شناخته نمیشود.

همان طور که گفتیم در موضوع شناسائی شرکتهای خارجی و حقوقی که آنها در ممالک خارجه دارا هستند نیز قوانین متشابه در ممالک مختلفه وضع شده است و تقریباً تمام ممالک بجز عده معدودی شناسائی يك شرکت خارجی را در داخله مملکت خود بسته بدو چیز میدانند:

اول آنکه آن شرکت باید در مملکت اصلی خود یعنی در مملکت متبوع خود شرکت قانونی شناخته شده باشد و برای ثبوت صدق اظهارات خود نیز بعضی از ممالک ارائه تصدیق نامه قنصلگری دولت خود را که در مملکت متبوع شرکت مزبور مأموریت دارد مبنی بر قانونی بودن شرکت مزبور از طرف آن شرکت خارجی لازم دانسته اند.

دوم موضوع به ثبت رسیدن شرکت خارجی است در مملکت مزبور یعنی شرکت خارجی برای اینکه در داخله مملکت دیگر برسمیت شناخته شود یعنی بتواند قانوناً اقدام به معاملات تجارتي و غیره کرده و در محاکم مدعی و مدعی علیه واقع شود باید در مملکت مزبور ثبت برسد البته طریقه ثبت رسیدن و تشریفات مخصوصه آن از قبیل اعلانات و غیره در ممالک مختلفه فرق میکند ولی اصولاً مقصود همان ثبت شرکت خارجی است.

علاوه بر دو شرط اصلی فوق بعضی از ممالک شروط دیگری نیز قائل شده اند ولی این شروط را تقریباً میتوان گفت که شروط فرعی هستند از قبیل وجه الضمانه گرفتن از شرکت های بیمه عمر و همچنین دادن ضامن در موقع طرح دعوا در محکمه اعم از مدعی یا مدعی علیه بودن و سایر تضيیقاتی که برای شرکت های خارجی در بعضی از ممالک مقرر است و همچنین مسئولیت نامحدود مدیران شرکت های سهامی و تحصیل اجازه قبلی برای شروع بعملیات و شناسائی شرکت بعنوان معامله متقابله و غیره ولی همانطور که گفتیم شرائط اخیر را فقط بعضی از ممالک اتخاذ کرده اند در صورتی که دو شرط اولی را تمام ممالک برای شناسائی شرکت های خارجی قبول و اتخاذ کرده اند مثل مملکت ایران که شناسائی يك شرکت خارجی را در داخله خود منوط بقانونی بودن شرکت مزبور در مملکت اصلی خود و ثبت شرکت در اداره ثبت شرکت های تهران دانسته است.

راجع بشرکت های خارجی در ایران قوانین دیگری از قبیل قانون مالیات بر درآمد و طرق وصول آن از شرکت های خارجی و تضمینات آن و غیره وضع و موجود است ولی از آنجائی که ما شرکت هارا از لحاظ تبعیت و شناسائی آنها و حقوقی که آن شرکت ها در ممالک خارجه دارا هستند فقط از نقطه نظر حقوق بین الملل خصوصی مورد بحث و مذاقه قرار داده ایم لذا بذکر موارد مذکوره در فوق اکتفا نموده و در قسمت هایی که خارج از حقوق بین الملل خصوصی است وارد نشده و بحث در اطراف تعارض بین قوانین دول متبوعه شرکت هارا نیز بیعده موکول می کنیم.

محمد علی یارسانی